

An Analysis of Civilizational Vices: Focusing on Envy and Its Macro-Social Consequences in Sūrat al-Baqarah

Nasibeh Rezaei ¹  Bībī Sadat Raza Bahabadi ²  Ḥabibullah Babaei ³ 

1. PhD in Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Al-Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Civilizational and Social Studies, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

Corresponding Email: b.razi@alzahra.ac.ir



<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.477845.1392>

Article History:

Received: 2024-09-12

Revised: 2024-12-27

Accepted: 2025-01-01

Online First: 2025-06-02

Keywords

Baghy,
Envy,
Civilizational Vice,
Human Relations,
Social Order.

Type of Article:

Research

Abstract: Some spiritual illnesses are confined to the individual and do not have wider repercussions. However, many-such as envy-extend into society, polluting it and disrupting the system of human relations, thereby impeding the development of civilization. This study, using a theological approach and inferential, question-based analysis of Qur'anic verses, explores the mechanisms by which the anti-ethical element of envy expands socially and undermines civilizational order. In the Qur'an, envy-referred to as baghy-is identified as the root of aristocratic resistance to prophets, the rejection of divine laws, and the substitution of human legislation for divine ordinance. This shift results in anthropocentrism over theocentrism, the elevation of reason and experience over revelation, and the degradation of human morality and dignity on a global scale. The formation of civilization is threatened both externally and internally by envy: externally, through the envy of disbelievers toward Muslims, leading to efforts to exploit and turn them away from their faith; and internally, through the envy of believers toward each other, which breeds resentment, hatred, selfishness, and division among human groups, thereby weakening social unity and civilizational order. These effects are especially detrimental when elites of a society are afflicted by this moral vice.

How to cite:

Rezaei, Nasibeh., Raza Bahabadi, Bībī Sadat., Babaei, Ḥabibullah. (2025). An Analysis of Civilizational Vices: Focusing on Envy and Its Macro-Social Consequences in Sūrat al-Baqarah. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (2), 25-46. <http://doi.org/10.22034/jksl.2025.477845.1392>

©2025 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





تحلیلی بر رذیلت‌های تمدنی؛ با تأکید بر موضوع حسادت و آثار کلان اجتماعی آن در سورة بقره

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.477845.1392>

دریافت: ۱۴۰۳-۰۶-۲۲
بازنگری: ۱۴۰۳-۱۰-۰۷
پذیرش: ۱۴۰۳-۱۰-۱۲
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۳-۱۲

نسبیه رضایی^۱

بی‌بی سادات رضی بهابادی^۲

حبیب‌الله بابایی^۳

مقاله: پژوهشی

چکیده

برخی بیماری‌های قلبی بیماری‌های فردی است که امتداد کلان اجتماعی پیدا نمی‌کند؛ اما بسیاری از این بیماری‌ها مانند حسادت، با امتداد در جامعه و آلوده کردن آن، موجب شکاف در نظام مناسبات انسانی و اختلال در شکل‌گیری تمدن می‌شود. در این پژوهش با رویکردی الهیاتی و استفاده از روش استنتاجی پرسش‌محور از آیات قرآن، به این سؤال پاسخ داده شد که طی چه مکانیسمی، کلان‌شدگی مؤلفه ضد اخلاقی حسادت در اجتماع و تمدن صورت می‌گیرد و مخلّ مناسبات انسانی می‌شود؟ حسادت یا «بغی»، عامل اصلی نزاع اشراف اقوام با پیامبران و انکار آنان و ردّ قوانین الهی است. جایگزینی قوانین الهی با قوانین بشری موجب غلبه انسان‌محوری به جای خدام‌محوری، ترجیح اصالت عقل و تجربه بر اصالت وحی و سقوط انسان از انسانیت و کمالات اخلاقی در سطح جهانی شده است. شکل‌گیری تمدن با دو نوع تهدید بیرونی و درونی از ناحیه حسادت مواجه است: یکی حسادت کفار به مؤمنان که تلاش می‌کنند مسلمانان را به ارتداد بکشانند و از آن‌ها بهره‌کشی کنند و دیگری حسادت مؤمنان به مؤمنان که موجب انباشتگی کینه، نفرت، بدخواهی، خودمحوری و گسستگی در بین گروه‌های مختلف انسانی می‌شود و وحدت تمدنی و نظم اجتماعی را برهم می‌زند. این پیامدها وقتی شدت می‌یابد که خواص یک جامعه به این رذیله اخلاقی مبتلا باشند.

واژگان کلیدی: بغی، حسادت، رذیلت تمدنی، نظام مناسبات انسانی، نظم اجتماعی.

استناد به مقاله:

رضایی، نسبیه؛ رضی بهابادی، بی‌بی سادات؛ و بابایی، حبیب‌الله. (۱۴۰۴). تحلیلی بر رذیلت‌های تمدنی؛ با تأکید بر موضوع حسادت و آثار کلان اجتماعی آن در سورة بقره. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، (۲)۶، ۴۶-۲۵.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.477845.1392>



۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار گروه مطالعات تمدنی و اجتماعی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

تمدن کلان‌ترین ابرنظام مناسبات انسانی بین گروه‌های متعدد و متکثر بشری است که پیوسته در حال تحول و تسری به دیگر تمدن‌هاست (بابایی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۶). تمدن برخاسته از فطرت، برخلاف تمدن برخاسته از طبیعت و غریزه، برای تسلط انسان بر خویش و تلاش برای کمال انسانی بنا می‌شود. فطرت آدمی تبدیل‌ناپذیر است و هرگز در آن انحراف رخ نمی‌دهد؛ اما اگر بر اثر هجوم عوامل ضد فطرت، مانند میل به غریزه و تشدید آن، هواهای نفسانی و خواهش‌های درونی مدفون و مغلوب شود، نتیجه‌ای جز انحطاط انسان و زوال تمدن نخواهد داشت؛ چون در اجتماع به جهت غریزه سودجویی بشر و استخدام هم‌نوعان، نزاع و تراحم منافع پیش می‌آید و هر کسی می‌خواهد دیگری را به نفع خود به کار گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۰۵؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۴۱۰). در این صورت، بُعد مادی وجود انسان استحکام می‌یابد؛ اما اگر منظر و مطلوب تمدنی عالم ماده شد، سراسر آن جامعه و تمدن گرفتار تضاد و تقابل و اضطراب می‌شود.

یکی از بسترهای شکل‌گیری تمدن، جامعه قانون‌مند برای ایجاد نظم اجتماعی و اجرای عدالت است؛ اما اهمیت فضیلت‌های اخلاقی، قلب‌های نورانی و نفوس پاک بیشتر از اهمیت تدوین قوانین اجتماعی برای تمدن‌سازی است. قوانین اجتماعی هر قدر عادلانه و جزای آن‌ها سخت‌تر باشد، آن‌طور که باید اجرا نشده و مانع تخلف و عمل خلاف نمی‌شود؛ مگر آنکه افراد جامعه به فضایل اخلاقی متخلق گردند و به ملکات انسانی از قبیل پیروی از حق، احترام به انسانیت، عدالت، کرامت، حیا و گسترش مهربانی و عطف و امثال آن پایبند باشند. بنابراین سنن و قوانین اجتماع هیچ‌گاه از گزند تخلف و بطلان ایمن نمی‌شود؛ مگر اینکه بر اساس فضایل اخلاقی بنیان نهاده شده و پشتوانه‌اش دل‌های مردم باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۱۵۵).

راه رسیدن به تمدن و نظام مناسبات انسانی متعالی، وجود انسان‌هایی با قلب و باطن پاک و به دور از رذایل نفسانی و اخلاقی است. تا زمانی که این رذایل و بیماری‌های قلبی درمان و از قلب انسان زایل نشود، هرگونه مجاهدت و تلاش انسان بی‌ثمر خواهد بود. همان‌طور که تقوای قلوب موجب ظهور تقوا در عمل و رفتار می‌شود و انسان را آماده قدم گذاشتن در مسیر تمدن‌سازی می‌کند، نداشتن تقوا و تیرگی قلوب، موجب بروز رفتارهای ضد اخلاقی و ضد اجتماعی می‌شود و انسان و جامعه را از تمدنی بودن دور می‌سازد. برخی بیماری‌های قلبی بیماری‌هایی فردی است که امتداد کلان اجتماعی پیدا نمی‌کند؛ اما بسیاری از آن‌ها، مانند تکبر و حسادت و حرص، امتداد اجتماعی می‌یابد و جامعه را آلوده می‌کند؛ موجب اختلافات اجتماعی در نسل‌های کنونی و نسل‌های آینده می‌شود و آن نظم جهانی را که قرار است با شکل‌گیری تمدن ایجاد شود، برهم می‌زند.

حسادت یک بیماری روحی و باطنی است که ریشه‌اش کوری و تاریکی قلب همراه با انکار فضل پروردگار است (گیلانی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۰۴). حسد از جمله رذایل اخلاقی است که دین و عقل آن را نکوهش کرده و منشأ و اساس بسیاری از گناهان و آلودگی‌های اخلاقی دیگر است و از ریشه‌های کفر (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۹۰) نیز محسوب می‌شود. منفور شدن فرد حسود نزد مردم، از بین رفتن همکاری بین افراد، ترقی نکردن جامعه و انحطاط و تنزل آن برخی از آثار حسادت است (صدر، ۱۳۷۸، صص ۲۴۹-۲۵۴). حسادت اکنون می‌تواند به عنوان یک مسئله عمده و در سطح روابط جهانی مطرح باشد؛ به‌طوری‌که نه تنها نظام مناسبات انسانی میان پیروان ادیان توحیدی را بر هم زده، بلکه روابط میان کشورهای مسلمان را نیز به‌رغم توصیه‌ها و هشدارهای فراوان قرآنی و روایی مبنی بر دوری از حسادت و عواقب آن، متأثر ساخته است. به عنوان مثال، حسادت برخی کشورهای عربی نسبت به تمدن و فرهنگ ایرانی موجب شده

است همواره در لحظات سخت و حساس تاریخی، به منافع ملی ایران ضربه وارد سازند (برزگر، ۱۳۸۳، صص ۳۷-۵۶)؛ (نک: فولر، ۱۳۷۲، صص ۴۳-۴۸).

از آن جاکه تمدن همواره با مقولات کلان انسانی و مسئله‌های بزرگ اخلاقی و انسانی ارتباط دارد (بابایی، ۱۴۰۰، صص ۳۴۷-۳۷۴)، این پژوهش در نظر دارد با رویکردی الهیاتی و با روش استنتاجی،^۱ به بررسی آیات قرآن با مضمون «حسد» بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که از منظر قرآن، با تأکید بر سوره بقره و همچنین روایات، یک ردیله نفسانی و اخلاقی مانند «حسد»، در چه فرایندی امتداد اجتماعی و تمدنی می‌یابد که نه تنها زیست اخلاقی فرد را به چالش می‌کشد، بلکه در سطح کلان اجتماعی نیز صیورورت تمدنی را مشکل و نظم تمدنی را دچار آشوب و بی‌نظمی می‌کند؟

در مورد حسادت، پژوهش‌هایی از قبیل «پیامدشناسی حسد از منظر قرآن و روایات» (ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹)، «بررسی آسیب‌شناسی آثار اجتماعی حسادت و حسود در بین جامعه از دیدگاه قرآن کریم» (شریفیان، ۱۴۰۰)، «آثار و پیامدهای حسد در تعاملات فردی و اجتماعی در آموزه‌های قرآنی» (شیروانی شیر و همکاران، ۱۴۰۰) صورت گرفته است که در آن‌ها به چند مورد از آثار حسادت، از جمله خشم، خصومت و دشمنی، کینه، بخل‌ورزی و از دست رفتن حرمت و کرامت انسان پرداخته‌اند؛ اما در هیچ‌کدام، درباره امتداد تمدنی آن که موجب اختلال در شکل‌گیری تمدن می‌شود، بحث نشده است.

۲. مفهوم حسادت

یکی از شدیدترین بیماری‌های نفسانی و دشوارترین و بدترین و خبیث‌ترین آن‌ها «حسادت» است (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۴۱۷). حسادت به این معناست که صاحب آن (حسود) آرزوی سلب کمال و نعمت از دیگری را داشته باشد؛ چه آن نعمت را خود دارا باشد یا خیر و چه آن نعمت را برای خود بخواهد یا نخواهد (خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۵).

اولین مرحله حسادت خطور در قلب است و تا وقتی که در فعل و عمل خود را نشان ندهد، آثار زیان‌بار اجتماعی و پیامدهای خطرناکی در روابط انسانی و گروهی بر آن مترتب نیست. حسادت یک شر اخلاقی است که از شدت تأثیر نزدیک است از قضا و قدر الهی سبقت بگیرد (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۳۹) و عنصری است که موجب فراهم شدن زمینه‌های اجتماعی خاص و محل بروز حادثه‌های سیاسی است. حسادت به‌تنهایی می‌تواند موجب نزاع در جامعه و تراحم منافع و سقوط انسان‌ها از فطرت و انسانیت شود و نظم کلان اجتماعی را بر هم زند. بنا بر همین ویژگی‌ها، این ردیله اخلاقی در مقیاس کلان تمدنی قابل بحث است.

۲-۱. حسادت، مقوله کلان ضد تمدنی

حسادت علاوه بر یک موضوع اخلاقی، یک موضوع اعتقادی و اجتماعی سیاسی است. از منظر اعتقادی می‌توان کفر را بزرگ‌ترین گناهی دانست که از حسد سرچشمه می‌گیرد؛ چون فرد حسود از اینکه خداوند نعمتی را به دیگری ارزانی داشته، در رنج و محنت است و این تصور او که خداوند نعمتی را در جایگاه خود قرار نداده، کفر است. این بُعد اخلاقی از حسادت و آرزوی زوال نعمت در دیگری، خاستگاه بسیاری از ناپهنجاری‌های فردی و اجتماعی است و همین مقدار از ردیلت فردی حسادت، موجب مشکلات روحی و روانی، از جمله فقدان آرامش فردی، افسردگی، حقارت و خشم می‌شود و زمینه‌ها را برای نارضایتی و کینه و دشمنی با دیگران فراهم می‌کند. تداوم

۱. با در نظر گرفتن سه لایه تفسیری استنباطی، استنتاجی و استنباطی در سه مرحله تفسیر تمدنی، با تفاوت‌های متن‌محور بودن تفسیر استنباطی، پرسش‌محور بودن تفسیر استنتاجی و عینیت‌محور بودن تفسیر استنباطی (بابایی، ۱۴۰۳، صص ۸۴-۸۶)، می‌توان گفت روش به‌کار گرفته شده در این پژوهش روش استنتاجی است. در تفسیر استنتاجی پرسش‌هایی از بیرون به قرآن عرضه می‌شود که به ظاهر در قرآن دیده نمی‌شود و مضامینی برای آن نیست. به عبارتی نظام واژگانی را که مستقیماً از درون قرآن برداشت نمی‌شود، به قرآن عرضه کرده و در صددیم پاسخ قرآن را فهم کنیم (بابایی، ۱۴۰۳، ص ۸۸).

و انباشتگی حسادت در جامعه و ظهور در بین توده مردم و گروه‌های مختلف، منتج به سخت‌تر و خطرناک‌تر شدن آن در حوزه عمل اجتماعی و شکل‌گیری یک امر بزرگ ضدتمدنی می‌شود. رفتارهای خرسازی چون آدم‌ربایی، اهانت، تهمت، تخریب و قتل و در نهایت کاهش ضریب امنیت اجتماعی از آثار حسادت است (منصوری، ۱۳۸۹).

انسان‌ها در زندگی اجتماعی و سیاسی، به دلایلی چون داشتن خوی استکباری (بقره: ۲۴۷)، ریاست‌طلبی و خودمحوری (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۴۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۴۱۸)، دنیادوستی و حرص (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۲۰۹) با یکدیگر رقابت می‌کنند و دچار حسادت می‌شوند. از این ویژگی در آیات مختلف قرآن، با عبارت «بَغْي» یاد شده است. طبق آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (بقره: ۲۱۳)، در امت‌های پیشین هنگامی که خداوند پیامبران را برای رفع اختلاف ناشی از غریزه استخدا و سامان بخشیدن به اوضاع اجتماع بر اساس شریعت و قوانین الهی می‌فرستد، (طباطبایی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۷۹) بخش مهم و اثرگذار جامعه یعنی روحانیون و بزرگان، به علت بغی و خبث باطن، با انبیا و قوانین الهی به مخالفت برمی‌خیزند (طباطبایی، ۱۴۰۰، ج ۱۸، ص ۳۱) و مسیر خود را از مؤمنان جدا می‌کنند. «بَغْي» که کلیدی‌ترین واژه این آیه و آیات دیگر با مضمون مشابه است (آل عمران: ۱۹؛ شوری: ۱۴؛ جاثیه: ۱۷)، در کتب لغوی چنین تعریف شده است: «قَالَ بَغْيٌ أَصْلُهُ الْحَسَدُ، ثُمَّ سُمِّيَ الظُّلْمُ بَغْيًا لِأَنَّ الْحَاسِدَ يَظْلِمُ الْمَحْسُودَ» (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۱۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۷۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۴؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰۸). در تفاسیر نیز، «بَغْي» در معنای ظلم و حسد آمده است (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۴۱۵).

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به معاویه با اشاره به آیاتی از قرآن، مانند «يُسَمَّا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (بقره: ۹۰)، منشأ نزاع و دشمنی مردم به‌ویژه اکابر با پیامبران را «حسادت» معرفی می‌کند (تفنی کوفی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۹۸)؛ زیرا آنان با اختلافاتی که در دین بنیان نهادند، زمینه‌های فساد و تفرقه در جامعه را تا نسل‌های بعدی موجب شدند. اقدامات سوء این گروه، شامل کتمان قوانین حق (بقره: ۴۲، ۱۴۶، ۱۵۹ و ۱۷۴)، تحریف قوانین و دستورات الهی و تغییر آن‌ها مطابق هوای نفس خود یا جهت رضایت گروه و حزبی خاص و همچنین رضایت حاکمان و سلاطین (بقره: ۷۹ و ۸۵)، کفر به پیامبر و کتاب آسمانی و آیات الهی (بقره: ۴۱-۴۲، ۸۹ و ۹۹) و قتل پیامبران (بقره: ۶۱)، با همراهی عوام متعصب و کینه‌توز (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۸۱) آثار سوء ماندگاری بر جا گذاشت (جاثیه: ۱۷)؛ به‌گونه‌ای که نسل‌های بعدی نیز دچار تردید و گمراهی شدند (شوری: ۱۴).

تحریف دین و کنار گذاشتن قوانین الهی و جایگزین کردن آن با قوانین ساخته دست بشر به علت حسادت، در طول تاریخ موجب تشکیل دادگاه‌های تفتیش عقاید، زنده سوزاندن و مجازات‌های سخت دیگر مخالفان اعتقادات کلیسا (تستا، ۱۳۷۹، صص ۹ و ۴۵-۴۸)، ارتداد دانستن هر نوع اظهارنظر علمی (تستا، ۱۳۷۹، صص ۱۵۳-۱۵۴) و راه انداختن جنگ‌های سخت و دویست‌ساله صلیبی در قرون وسطی شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۷۵). همین حاکمیت مطلق و سلطه وحشتناک کلیسا بر سراسر اروپای قرون وسطی به علت تلقی و تفسیر غلط دین و پشتیبانی نظام‌های استکباری از آن، زمینه‌های انعقاد رنسانس و تحولات چندجانبه در حوزه عمل و اندیشه انسان غربی نسبت به انسان و جهان را پدید آورد. این حرکت آغازی برای تأسیس تمدنی شد که اساس آن «انسان‌محوری» (اومانیزم) به جای خدامحوری، در سایه فردگرایی و لذت‌طلبی و سودجویی به جای ارزش‌های متعالی انسانی بود. منادیان حرکت الحادی انسان‌محوری

ندای آزادی انسان از هر بندگی حتی عبودیت خدا را سر می‌دهند و انسان را خدای روی زمین قلمداد می‌کنند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۶۹). محور شدن انسان به جای حاکمیت قوانین عدل الهی ارمغانی برای انسان‌ها نداشت؛ بلکه آن‌ها را سرگردان و بی‌پناه ساخت و هر گروه را به سویی فرستاد و در هر زمان و مکانی یک «ایسم» و مکتب را حاکم کرد؛ هرچند این ایسم‌ها و مکاتب با هم متناقض و متعارض بود و هر کدام به‌نوعی ارزش انسان را پایین می‌آورد. پلورالیسم و مطرح کردن قرائت‌های مختلف از دین و موهوم بودن آن، خدشه‌دار شدن معنویت‌ها و ارزش‌های واقعی و الهی و تک‌بعدی ساختن بشر، همگی از آثار تمدن بر پایه انسان‌محوری است که اصالت را به عقل بشری و تجربه داده است (بهشتی، ۱۳۸۲، صص ۱۶-۴۵). ریشه این مشکل نیز بغی و حسادت بزرگان و روحانیون جامعه نسبت به انبیای الهی و انکار آنان بود. نتیجه آن چنین شد که نظم اجتماعی و تمدنی را که قرار بود پیامبران بر پایه توحید و خدامحوری سامان دهند، با آسیب‌ها و موانع مواجه شد. شاید به همین علت بود که رسول خدا ﷺ امت خود را از بیماری حسادت که امت‌های پیشین به آن مبتلا بودند، به شدت نهی کرد و تصریح فرمود که «این بیماری به شما نیز سرایت می‌کند و زنده‌ای که دین را از بین می‌برد»^۱ (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۴). به بیان دیگر، حسادت رذیله اخلاقی کلانی است که در قامت یک امت ظاهر می‌شود و دین را که شامل قوانین تمدن‌ساز بر پایه معارف عالیّه اخلاقی و یکی از بزرگ‌ترین عوامل نظم اجتماعی و مانع ولنگاری مطلق انسان است، از بین می‌برد.

۲-۲. حسادت، تهدیدی ضد تمدنی از برون و درون جامعه

در قرآن و روایات به دو نوع حسادت کافران نسبت به مؤمنان و حسادت مؤمنان نسبت به مؤمنان اشاره شده است که هر دو تهدیدی برای نظام مناسبات انسانی و شکل‌گیری تمدن است.

۱-۲-۲. اختلال در تمدن، با حسادت کافر نسبت به مؤمن

حسادت توأم با بیماری فرهنگی انحصارطلبی، در آیه «بِسْمَا اسْتَرْوُا بِهِ أَنْفُسُهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (بقره: ۹۰) نمود می‌یابد. از برجسته‌ترین مصادیق فضل الهی، مقام نبوت است که خداوند حکیم آن را بر هر کس که بخواهد و شایسته بداند، عطا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۸۵). این آیه از نپذیرفتن نبوت رسول خدا ﷺ از سوی یهود، به علت بغی و حسد سخن می‌گوید. یهودیان طبق بشارت‌های تورات منتظر بعثت پیامبری با کتاب و دینی خاص بودند تا بتوانند با ایمان به او و همراهی او، بر مشرکان حجاز فائق آیند؛ اما وقتی مشاهده کردند که پیامبر موعود از نسل اسماعیل است، به سبب نژادپرستی و قداست موهومی که برای خود قائل بودند و همچنین حسادت، به او ایمان نیاوردند (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۵، صص ۴۸۴-۴۸۵). مخالفت یهود، بیشتر از سوی خواص و سیاسیون ایشان یعنی روحانیون و احبار بود که به علت ترس از دست دادن قدرت و پایگاه اجتماعی‌شان، به پیامبر حسادت می‌ورزیدند. یهودیان با بینش و فرهنگ مذهبی کهنه و عمیق، خود را از دوستان خاص خدا و پرچمدار توحید و نخستین صاحبان کتاب و رسالت در جهان می‌انگاشتند. در نتیجه، روزی که دین اسلام بر مردم عرضه شد، ملت یهود بیش از قریش عداوت پیامبر ﷺ و مسلمانان را به دل گرفتند و با تمام دسیسه‌ها و قوای خود بر کوبیدن آن کمر همت بستند.

یک از علل اصلی حسادت کافران و مشرکان و اهل کتاب نسبت به مسلمانان را در غرور به حقانیت خود و سپس در انحصارطلبی آن‌ها می‌توان یافت؛ آنجا که خداوند از فضل و رحمت خود نعمتی مشابه را به فرد یا گروهی از بندگان عطا می‌کند. این غرور در بین جامعه یهود و قریشیان فراوان بود. چون قریش پیش از اسلام، در میان عرب شرافت و عزت ویژه‌ای دارا بود و معمولاً با عناوین «آل الله»،

۱. «أَلَا إِنَّهُ قَدْ دَبَّ إِلَيْكُمْ ذَاؤُ الْأُمَمِ مِنْ قَبْلِكُمْ، وَهُوَ الْحَسَدُ، لَيْسَ بِحَالِقِ الشَّعْرِ لَكِنَّهُ حَالِقُ الدِّينِ»

«جیران الله» و «سگان حرم الله» خوانده می‌شد (اندلسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۶۶؛ علی، ۱۹۷۰م، ج ۴، ص ۲۵). قریش به علت آنکه خود را اهل حرم می‌دانستند، امتیازات دینی خاصی را به خود اختصاص داده و نام «اهل حمس» را برای خود برگزیده بودند. آن‌ها دینداری خود را برتر از دیگران می‌دیدند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، صص ۱۹۹-۲۰۳). ساختار قبیله‌ای در حجاز، عوارضی از جمله رقابت و تفاخر شدید بر سر موضوعات [مختلف] داشت و در میان قبایل بیداد می‌کرد. از آنجاکه رسول خدا ﷺ از تیره بنی‌هاشم بود، سران تیره‌ها به انگیزه رقابت و حسادت قبیله‌ای حاضر به پذیرفتن نبوت او نبودند (عربشاهی، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۵۶-۵۸). چون مقام و ثروت و پایگاه اجتماعی قریش و یهودیان منشأ دینی و مذهبی داشت، از ناحیه پیامبر ﷺ که آیین و مذهب جدیدی با پیام عدالت و برابری آورده بود و همچنین از ناحیه گروندگان به او، احساس خطر می‌کردند. بنابراین انگیزه‌های مخالفت و دشمنی با پیامبر ﷺ و مسلمانان دو جنبه اجتماعی و روان‌شناختی داشت. جنبه روان‌شناختی، همان حسادت است.

حسادت کفار به مؤمنان چنان است که می‌خواهند آن‌ها را نیز به کفر بکشانند: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (بقره: ۱۰۹) و «وَدُّوا لَوْ تُكْفِرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً» (نساء: ۸۹). کافران و منافقان به همراه بنی‌اسرائیل که با پیامبران خود بدرفتاری و نعمت‌های الهی را کفران می‌کردند، به اسلام و مسلمانان حسادت می‌ورزیدند و به کینه‌توزی و دسیسه و توطئه می‌پرداختند. آنان به سبب حسد درونی خود می‌خواستند خیر را از مسلمانان دفع یا رفع کنند؛ یعنی مانع ایمان آوردن آنان شوند یا پس از ایمان، آنان را مرتد و کافر کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۱۴۸). امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «حسادت و مکر و خدعه کافران و منافقان و اهل کتاب برای مرتد کردن مسلمانان به این علت است که خداوند مسلمانان را به علت پذیرش دین اسلام و عمل به دستورات آن اکرام کرده و عزت داده است. حال که خودشان از این فضل و نعمت خداوند محروم هستند، تلاش می‌کنند آن‌ها را مانند خود کنند و با کاشتن بذر شک و شبهه در دل‌هایشان، آن‌ها را به انکار و کفر بکشانند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۱۱).^۱

مؤمنانی که خداوند به آن‌ها کرامت و عزت داده است، دارای صفات تجلی‌گسترده بعد معنوی و عبودیت و حالت خشوع در برابر خدا در وجودشان با هدف کسب رضایت و فضل الهی، انعطاف‌پذیری در تعامل با یکدیگر و تجلی اخلاق اجتماعی با پایه‌های مستحکم مودت و عواطف انسانی هستند. این ویژگی‌ها موجب رشد و بالندگی آن‌ها می‌شود و جامعه‌ای مستقل، خلاق، مستحکم، باصلابت و نفوذناپذیر در برابر دشمنان و جبهه کفر به وجود می‌آورند (فتح: ۲۹). همین امر ترس و حسادت دشمنان را برمی‌انگیزد و آنان را ناگزیر به تلاش برای از بین بردن مسلمانان و مؤمنان به شیوه‌های مختلف می‌کند؛ مانند قریشیان و سران شرک و کفر که وقتی پیامبر ﷺ در مدینه با تشکیل حکومت، پایه‌های تمدن اسلامی را بنیان نهاد، برای نابودی آن به مبارزات مسلحانه و طراحی و عملیاتی کردن انواع توطئه‌ها در قالب یک جمعیت مخفی به‌ظاهر مسلمان روی آوردند. توطئه‌ها و دسیسه‌های یهودیان نیز به‌صورت تشکیلاتی و سازمان‌یافته و نیز در قالب تحقیر و تمسخر پیامبر ﷺ (بقره: ۱۰۴؛ نساء: ۴۶)، خیانت و پیمان‌شکنی (بقره: ۱۰۰؛ انفال: ۵۶)، ایجاد خلل در عقاید مسلمانان با اعمال فشار اقتصادی و وارد ساختن شبهات بر دین اسلام (آل‌عمران: ۱۸۱) شبهه‌افکنی برای بازگرداندن مسلمانان از عقاید خود (آل‌عمران: ۶۹-۷۰)، نفاق (بقره: ۷۶؛ مانده: ۶۱)، تفرقه‌افکنی (ابن‌هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۵۰۰) و اتحاد با مشرکان علیه پیامبر و مسلمانان و ایجاد درگیری‌های نظامی (طبری، ۱۸۷۹م، ج ۲، ص ۲۳۷؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۹۷۵م، ج ۱، ص ۱۶۹) بود.

۱. اَبی عبد الله ﷺ: ان لشیاطین الانس حيلة و مکر او خدائع و وسوسة بعضهم الی بعض یریدون ان استطاعوا ان یردوا اهل الحق عما اکرهم الله به من النظر فی دین الله الذی لم یجعل الله شیاطین الانس من اهل ارادة ان یردوا اهل الحق فی الشک و الإنکار و التکذیب فیکونون سواء کما وصف الله تعالی فی کتابه من قوله: «... وَدُّوا لَوْ تُكْفِرُونَ کَمَا کَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً»

حسادت جبهه کفر و شرک نسبت به ایمان و صلابت مؤمنان تاکنون ادامه دارد و همان توطئه‌ها و دسیسه‌ها با ابزارهای جدید استفاده می‌شود. استعمار و اشغال کشورهای اسلامی طی دو قرن سیزدهم و چهاردهم هجری در امتداد جنگ‌های صلیبی پدید آمد که یکی از علل آن دعوت به مسیحیت بود. در قرون اخیر استعمار تلاش کرده است از این راه برای پیشبرد اهداف استعماری خود بهره ببرد. بنابراین کلیسا رنگ سیاسی به خود گرفته و فعالیت‌هایش همواره با سیاست‌های استعماری کشورهای استعمارگر هماهنگ بوده است (حسین، ۱۴۱۶ق، ص ۶۳-۷۱). تلاش آن‌ها برای خارج کردن مسلمانان از اسلام و مرتد کردن آنان با هدف نشان دادن خدشه‌دار بودن اسلام، مصداق آیه «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا» (بقره: ۱۰۹) است؛ به طوری که زویمر^۱ مبلغ مسیحی هدف تبلیغ مسیحیت را خارج کردن مسلمانان از اسلام برمی‌شمارد؛ تا هیچ ارتباط و پیوندی با خدا و هیچ پابندی به اخلاق که همه امت‌ها در زندگی خود بر آن تکیه نموده‌اند، نداشته باشند (عبدالوهاب، ۱۴۰۱ق، ص ۱۶۲) و چنان در شهوات غرق شوند و غرایز خود را رها کنند که مسخ شوند و شایستگی دریافت هیچ چیزی را نداشته باشند (ماکی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰۳). ترویج فرهنگ غرب برای رها ساختن جامعه اسلامی از اصالت خود در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و اعتقادی و داشتن سبک زندگی بر اساس الگوهای غربی (شلی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳)، نشان دادن اسلام به عنوان عامل عقب‌ماندگی مسلمانان، پاشیدن بذره‌های نگرانی و شک در روایات و مبانی اسلامی، تلاش جهت از بین بردن وحدت و عزت اسلامی و دامن زدن به اختلافات قومی و نژادی و مذهبی، تضعیف روح برادری اسلامی بین مسلمانان جهان و کاشتن تخم نفاق و اختلاف (النملة، ۱۴۱۰ق، صص ۲۵۲-۲۵۳) از اهداف دعوت به مسیحیت با همراهی استعمار است.

با انسان جاه‌طلب یا انسانی که به دنبال منفعت خود است، می‌توان تعامل و مذاکره کرد و او را با دادن امتیازات یا وعده‌های وسوسه‌انگیز قانع نمود؛ اما تعامل و مذاکره با انسان مبتلا به حسادت بسیار سخت است. بعد از ماجرای تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه (بقره: ۱۴۴)، ناراحتی و کینه یهودیان از مسلمانان بیشتر شد. برخی مسلمانان همچنان تمایل داشتند که قبله همان بیت المقدس باشد، تا بتوانند با یهودیان روابط حسنه داشته باشند و با آن‌ها زندگی مسالمت‌آمیز همراه با الفت و دوستی داشته باشند؛ اما از این نکته غافل بودند که رضایت اهل کتاب فقط با این مسئله حاصل نمی‌شد، بلکه خواسته آن‌ها پیروی از تمام آیین یهودیت بود (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹۲). بنا بر همین مناسبت، خداوند در قرآن خطاب به پیامبر ﷺ فرمود: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰)؛ چون اختلاف اهل کتاب و حتی مشرکان، اختلاف دینی مذهبی بود. آن‌ها می‌خواستند آیین مسلمانان را بگیرند، تا برتر از آیین خودشان وجود نداشته باشد. امروزه نیز، از آنجاکه اختلاف کشورهای استکباری و غربی با مسلمانان اختلاف ایدئولوژیکی و دینی است، هر قدر مسلمانان در برابر خواسته‌های آنان کوتاه ببینند، راضی نمی‌شوند، بلکه با دادن هر امتیازی، طلبکارانه‌تر و گستاخانه‌تر عمل می‌کنند، تا زمانی که مسلمانان کاملاً تحت سلطه آن‌ها درآیند. اگر مسلمانان مشاهده کردند که کفار از دین آنان راضی‌اند، باید در دین‌داری خود تردید کنند و بدانند که دین‌داری کافرپسند، همان کفر است و رابطه با دشمنان و اهل کتاب نباید به قیمت صرف نظر کردن از اصول باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹۳).

۲-۲-۲. اختلال در تمدن با حسادت مؤمن به مؤمن

از پیامدهای حسد در تعاملات اجتماعی و نظام مناسبات انسانی، از دست رفتن حرمت و کرامت انسانی است که خداوند در قرآن بر آن تأکید کرده است.^۲ حسادت صفتی است که به فرموده امام صادق (ع)، مانند گوشت و خون در وجود هر انسانی جاری است و تنها اولیای

1- Zwimer

۲. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)

الهی از آن مبرا هستند^۱ (صدوق، بی‌تا، ص ۲۴۴). طبق این روایت، کمتر کسی را می‌توان یافت که به حسادت مبتلا نباشد و اگر انسان‌ها برای رفع و معالجه این بیماری قلبی و رذیله اخلاقی اقدام نکنند، انباشتگی آن در بینشان نتایج اسفباری همچون تنفر از همدیگر، کاهش اعتماد عمومی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی را در پی خواهد داشت. این رذیله اخلاقی «أَشْرُ الْأَمْرَاضِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹) و «رَأْسُ الرَّذَائِلِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۷۷) است و منبع شرّ و فساد می‌شود؛ چون انسان حسود برای رسیدن به هدف خود و بازداشتن دیگران از نعمت‌ها و خیرات به هر کاری دست می‌زند. به‌علاوه چون خداوند آن را در ردیف کارهای حیوانات درنده، مارهای گزنده و شیاطین وسوسه‌گر قرار داده است^۲ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۴۶۲)، انتظار خیرخواهی از حسود، انتظاری بی‌ثمر است. در روایتی از امام باقر علیه السلام، حسادت موجب حبط عمل و از بین رفتن آثار نیک و خیر اعمال در دنیا و آخرت می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۶). بنابراین بدخواهی انسان حسود و احباط اعمال نیک، زنجیره توسعه خیر و برکت را در جامعه قطع می‌کند و خودبه‌خود موجب گسترش شرّ و تیره شدن روابط انسانی و مناسبات آن‌ها می‌شود. با این اوصاف، حسادت بیماری روحی خطرناکی است که با توجه به ظهور آن در فعل و عمل و قابلیت انباشتگی در جامعه، می‌تواند عامل رقابت‌ها، کینه‌ها و دشمنی‌ها باشد و گناهان و معضلات سیاسی اجتماعی در مقیاس کلان و در سطح تمدنی را به دنبال آورد.

از منظر حسادتِ درون‌صنفی، در جامعه مؤمنان و باورمندان به توحید، حسادت بر سر تقرب به خداوند و محبوبیت نزد اوست. از آنجاکه مؤمنان در یک رتبه از ایمان نیستند و ایمان مراتب مختلف دارد و همچنین با توجه به ابتلای عموم انسان‌ها به حسادت، به نظر می‌رسد این رذیلت اخلاقی تنها مختص کافران و دشمنان مسلمانان نباشد. انسان مؤمنی که اعمالش خالصانه برای خداست، مورد حسادت کسانی قرار می‌گیرد که نمی‌توانند در راستای فطرت و در مسیر اخلاص و تقرب الهی باشند و نسبت به او دچار احساسات منفی کینه و دشمنی می‌شوند؛ مانند حسادت قابیل نسبت به جایگاه و مقام معنوی هابیل نزد خداوند که نتوانست این مسئله را تحمل کند و برادر خود را به قتل رساند. می‌توان گفت امتحان دین‌داران و مؤمنان بیشتر در رذیله اخلاقی حسادت و نقطه مقابل آن، یعنی فضیلت اخلاقی ایثار است. طبق روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله، خداوند برای مؤمن عهد و پیمانی قرار داده است که در چهار چیز باید امتحان شود؛ مهم‌ترین و سخت‌ترین آن‌ها حسادت مؤمنانِ هم‌فکر و هم‌عقیده نسبت به یکدیگر است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵، ص ۲۱۶).^۳ از نظر تاریخی می‌توان به حسادت مسلمانان صدر اسلام که به واسطه پذیرش دین اسلام عزت و جایگاهی کسب کرده بودند، نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کرد. این حسادت بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله آشکار شد و بسیار شدیدتر و پیچیده‌تر از حسادت مشرکان قریش و یهودیان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله بود. امیرالمؤمنین علیه السلام صاحب فضایل قرآنی و روایی^۴ متعددی بود که دیگران از آن بی‌بهره بودند و همین محرومیت و دست‌نیافتگی موجب حسادت آنان شد. جایگاه هیچ‌کدام از مسلمانان، گرچه برای اسلام شمشیرها زده و از جان و مالشان گذشته بودند، به جایگاه و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام نمی‌رسید و به همین علت در طول تاریخ به‌ویژه در دوره خلافت بنی‌امیه و به دستور معاویه، برای جلوگیری از نقل و نشر فضایل او تلاش فراوانی به عمل آمد (حلی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴). یکی از نمونه‌های اعتراض اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان، بعد از نزول آیه مودّت (شوری: ۲۳) بود. پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه و استحکام پایه‌های

۱. «لحم و دم یدور فی الناس حتی إذا إنتهی إلینا ینس و هو الشیطان»

۲. «و من شرّ حابید إذا حسد» (فلق: ۵)

۳. «إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِثَاقَ الْمُؤْمِنِ عَلَى بَلَايَا أَرْبَعٍ أَنْسَرَهَا عَلَيْهِ مُؤْمِنٌ يَقُولُ يَقُولُهُ يَحْسُدُهُ أَوْ مُتَافِقٌ يَقْفُو أَثَرَهُ أَوْ شَيْطَانٌ يُغْوِيهِ أَوْ كَافِرٌ يَرَى جِهَادَهُ فَمَا بَقَاءَ الْمُؤْمِنِ بَعْدَ هَذَا»

۴. فضایل قرآنی امیرالمؤمنین: آیه شراء (بقره: ۲۰۷)، آیه ولایت (مانده: ۵۵)، آیه انفاق (بقره: ۲۷۴)، آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)، آیه مباحله (آل عمران: ۶۱)، آیه اولی الامر (نساء: ۵۹) و فضایل روایی: حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث مدینه العلم، حدیث یوم الدار، حدیث ولایت، حدیث وصایت و ... فضایل دیگر: ولادت در کعبه، تربیت‌شده در دامان پیامبر صلی الله علیه و آله، سبقت در پذیرش اسلام، برادری با پیامبر، ازدواج با دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، اختصاص لقب «امیرالمؤمنین به ایشان»، ابلاغ آیات برائت و ...

اسلام، گروهی از انصار از او خواستند که در صورت بروز مشکلات مالی، بدون هیچ قید و شرطی از اموال آن‌ها استفاده کند. به دنبال این رخداد، آیه‌ای نازل شد و مزد رسالت را فقط دوستی و مودت اهل بیت پیامبر ﷺ عنوان کرد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». منافقان به این گفتار پیامبر واکنش نشان دادند و گفتند: «پیامبر از اموال ما چشم پوشید تا ما را به رعایت خویشاوندان خویش راضی کند». بعد از این افترا، آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ» (شوری: ۲۴) نازل شد و منافقان گریستند و توبه کردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۱۹۷). اما تاریخ نشان می‌دهد که بعد از پیامبر ﷺ حقوق اهل بیتش را رعایت نکردند و وصایای او مبنی بر حسادت نورزیدن و دشمنی نکردن نسبت به امیرالمؤمنین ﷺ^۱ و پذیرش ولایت او بر زمین گذاشته شد. در نتیجه، آن تمدنی که با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه پایه‌گذاری شد و قرار بود در ادامه با قرار گرفتن امامان معصوم در صدر حکومت استحکام یابد، در صیوریت خود با ناکامی مواجه شد. روشن است، هنگامی که امام معصوم از صدر حاکمیت نظام اجتماعی حذف شود، فاجعه عظیم تاریخ بشریت نیز آغاز می‌گردد.

از مهم‌ترین آسیب‌ها و ضعف‌های جاری در میان امت اسلام می‌توان به نبود نگاه امتی در فهم و تحلیل مسئله‌های جاری در میان امت اسلام، غلبه نگاه‌های ملی و گاه ناسیونالیستی بر منافع فراملی مسلمانان و نبود هم‌افزایی و هماهنگی در نهادهای علمی و فرهنگی و سیاسی مسلمانان اشاره کرد (بابایی، ۱۴۰۳، ص ۶۷). می‌توان در مواردی، ریشه فقدان نگاه امتی را در حسادت جست؛ از جمله در آنجا که سران کشورهای عربی با حسادت نسبت به محبوبیت شهید سیدحسن نصرالله، دبیرکل پیشین جنبش حزب‌الله، به جای حمایت از او و مقابله با رژیم صهیونیستی، مبارزه با حزب‌الله و شخص دبیرکل را شروع کردند و حتی برخی سران عرب، حزب‌الله را جزو گروه‌های تروریستی قرار دادند (آبشناس، ۲۰۲۳، ص ۶۷)؛ یا آنجا که نفوذ ایران در منطقه، از آن کشوری قدرتمند ساخته که باعث نگرانی و حسادت دولت‌های عرب جنوب خلیج فارس شده است (التمیمی، ۱۴۰۳، ص ۶۷)؛ چون علی‌رغم تحریم‌های اقتصادی چهل ساله محکم و با قدرت در برابر آمریکا و اسرائیل ایستاده؛ به‌گونه‌ای که آینده شکست و ناتوانی و تبانی رژیم‌های عربی و موجب هجمه رسانه‌ای شدید و متمرکز برخی از آنان علیه ایران شده است (الاحمر، ۱۴۰۳، ص ۶۷). هدف ایران استقرار جامعه‌ای اسلامی با محوریت امت اسلامی است و این با هدف عربستان که به دنبال حفظ وضع موجود است، تعارض دارد. در بحث تمدن و سلامت نیز، ایران در دوره‌ای بنا بر گفتمان «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) پیگیر انجام فعالیت‌های مشترک و بزرگ در زمینه ضرورت دیپلماسی سلامت در بین کشورهای اسلامی بود؛ اما عربستان تنها به علت اینکه اجرا و پیگیری آن بر عهده ایران بود، به شدت مخالفت کرد (بابایی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۵). شوریختانه حسادت در بین کشورهای اسلامی موجب اختلاف و کینه و سرسپردگی بیشتر آن‌ها به کشورهای استکباری شده است؛ در حالی که آن‌ها می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های عظیم جمعیتی، وسعت مکانی و امکانات اقتصادی مشکلات و گرفتاری‌های مختلف امت اسلامی را با همدلی و اتحاد رفع کنند و در مسیر تمدن‌سازی اسلامی گام بردارند.

عرصه حسادت، عرصه ظهور و بروز فتنه‌های پیچیده و تردیدها و گمراهی‌هاست؛ به‌ویژه اگر خواص و بزرگان و اندیشمندان جامعه به آن مبتلا باشند، چنان سیر رسیدن به تمدن را قطع یا منحرف خواهند کرد که به‌سختی قابل جبران خواهد بود. در ادامه به نقش خواص مبتلا به حسادت در شکل نگرفتن تمدن می‌پردازیم.

۱. خطبه غدیر: «إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبُطَ أَعْمَالُكُمْ»

۳-۲-۲. حسادت خواص، آفت تمدن‌سازی

انسان‌ها در جامعه به دو گروه «خواص» و «عوام» تقسیم می‌شوند. خواص کسانی هستند که موضع‌گیری و راهشان از روی فکر و فهم و تحلیل است. آنان به عنوان متغیری مستقل در تحولات و حوادث تاریخی و جامعه، در دو جبهه حق یا باطل نقش دارند. عوام متغیری وابسته با ویژگی فقدان تحلیل و تبعیت از جو حاکم و دنباله‌روی خواص هستند. بر این اساس، تشخیص و درک درست خواص طرفدار حق، به موقع فهمیدن، نداشتن اختلاف پس از علم و فهم درست و به دنبال آن تصمیم‌گیری به جا و اقدام برای خدا سرنوشت تاریخ را دگرگون خواهد کرد و عکس قضیه ضربات جبران‌ناپذیری بر جبهه حق وارد خواهد نمود (قنبری، ۱۳۸۳، ص ۶۶-۱۰۹). پیامبر ﷺ در روایتی می‌فرماید: «امت من اصلاح نمی‌شوند، مگر در صورت اصلاح خواص آن‌ها و خواص چهار دسته‌اند: حاکمان (صاحبان قدرت و نفوذ، کارگزاران و زمامداران و مسئولان جامعه)، علما (دانشمندان و امروزه اساتید دانشگاه و حوزه، نخبگان علمی، پزشکان، معلمان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران)، عبادت‌کنندگان (چهره‌های دینی و مذهبی، روحانیون و هیئت‌های مذهبی) و تجار (فعالان خرد و کلان اقتصادی) (مشکینی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۴).

مطالعه تاریخ مؤید حضور و نقش پررنگ خواص در تغییر نتایج حادثه‌هاست. عمده مشکلات انبیا در مسیر هدایت امت، از ناحیه خواص بود که با سوءاستفاده از قدرت و نفوذ خود، مردم را از راه مستقیم ایمان و توحید به سمت گمراهی و کفر و شرک منحرف می‌کردند. «ملاً» یا اشراف، گروهی از خواص هستند که به علت استکبار و حسادت، مخالفت شدیدی با پیامبران داشتند (تقفی کوفی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۹۸). «ملاً» در لغت به معنای اشراف و سران و پیشوایان مردم و افراد صاحب نفوذی است که به دلیل هیبت، غنا، ثروت و موقعیت، ابهت آن‌ها چشم‌ها را می‌گیرد و مردم در تصمیم‌گیری‌های خود به آن‌ها می‌نگرند و پیرو آنانند (قیومی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۹۹). طبق آیه «الْمَلَأُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ائِمْتْ لَنَا مَلِكًا نُنْقِذَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۲۴۶)، ملاً قوم نزد پیامبر زمان رفتند و برای نبرد با قوم ظالم جالوت درخواست انتخاب فرمانده کردند؛ اما بعد از انتخاب طالوت، همین گروه به علت حسادت با امر پیامبرشان مخالفت کردند و از جنگ و مبارزه روی گردانیدند: «فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ» (بقره: ۲۴۶). مخالفان حضرت نوح ﷺ نیز از ملاً قوم بودند که از روی حسد به مردم می‌گفتند: «این مرد انسانی مانند شماست که می‌خواهد بر شما برتری جوید». آن‌ها پیامبر خود را تحقیر می‌کردند و به او نسبت‌های ناروا می‌دادند و موجبات گمراهی مردم را فراهم می‌کردند: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَضِّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ * إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جَنَّةٌ قَتَرَبْصُوا بِهِ حَتَّى حِينَ» (مؤمنون: ۲۴-۲۵). گفتار اشراف قوم هود در خطاب به مردم نیز نشان‌دهنده حسادت آن‌هاست: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِلْقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ» (مؤمنون: ۳۳)؛ حال آنکه خداوند هر کس را بخواهد، برتری می‌دهد و بر هر کس بخواهد، رحمت فرود می‌آورد.

مخالفت ناشی از حسادت با پیامبر ﷺ نیز، از سوی صنایع و سردمداران مشرک قریش (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۲) و خواص یهود بود که به شیوه‌های مختلف کتمان حق، تلبیس (پوشاندن لباس باطل به حق، تا کسی به آن گرایش پیدا نکند) و تسویل (پوشاندن لباس حق به باطل، تا توده مردم از آن نگریزند) (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۴، صص ۹۰-۹۱)، مردم و نسل‌های بعدی را به گمراهی کشاندند؛ در نتیجه، به جای آنکه جامعه بر مدار توحید و قوانین الهی اداره شود، قوانین بشری که تنها ناشی از تکیه بر حجت عقل و دوری از وحی بود، بر مردم حکم فرما شد.

امام صادق علیه السلام در روایتی، حسد را دو گونه دانسته است: حسادت از روی گمراهی و حسادت از سر ناآگاهی. حسادت فرشتگان نسبت به انتخاب انسان به عنوان جانشین در روی زمین، از گونه اخیر است و مقصود آن‌ها چنین بود که «جانشینی از ما برگزین». فرشتگان این سخن از سر حسدورزی را از روی فتنه و انکار و کفر نگفتند. اما دومین حسد آن است که بنده را به کفر و شرک می‌افکند؛ مانند حسادت ابلیس در نپذیرفتن فرمان خدا و سرباز زدن از سجده بر آدم علیه السلام^۱ (حرّانی، ۱۳۶۳، ص ۳۷۱). او با این کار در مقابل انسان‌ها قرار گرفت و قسم یاد کرد که آن‌ها را از راه‌های گوناگون به انحراف و گمراهی بکشاند. موضوع اصلی روایت مذکور، انواع حسادت در زندگی اجتماعی است که یک نوع آن عده کمی از افراد جامعه یعنی خواص و بزرگان را مبتلا می‌کند، اما پیامدهای آن در جامعه به علت قدرت در ایجاد فتنه‌ها و شبهه‌ها و آشوب‌ها بیشتر است. عموم مردم ممکن است از سر جهل حسادت ورزند، ولی همان‌ها یاری‌گر خواص برای ایجاد تنش در مناسبات اجتماعی و سیاسی هستند؛ چون بسیاری از شبهات دینی و کلامی و سیاسی توسط قدرت‌طلب‌ها و سیاسیون مطرح می‌شود و مردم را دچار شک و شبهه می‌کند. وقتی حسادت در بُعد سیاسی یعنی منازعات و معادلات قدرت ورود می‌کند، آثار خود را در مقیاس کلان نشان می‌دهد و عملکرد خواص مبتلا به آن نیز در نظام‌های گوناگون مناسبات انسانی و در مقیاس تمدنی اختلال ایجاد می‌کند.

یکی از خواصی که عملکرد او نقش مهمی در مسیر تاریخ داشت، سعد بن ابی وقاص بود. او ادعای جنگجویی و شجاعت و پهلوانی داشت و با مشاهده افتخارات و رشادت‌های امیرالمؤمنین در جنگ‌های مختلف صدر اسلام که خود از آن‌ها محروم بود، حسادت در قلبش ریشه دوانید. سعد با اینکه در شورای شش نفره‌ای که برای تعیین خلیفه بعدی از سوی خلیفه دوم تعیین شد، می‌دانست حق با چه کسی است و انتخاب او در سرنوشت خلافت و امت پیامبر صلی الله علیه و آله نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد، حق انتخاب خود را به عبدالرحمن بن عوف داد؛ در نتیجه، امر خلافت و حکومت برای بار سوم و برخلاف آنچه خداوند مشخص کرده بود، به دست نالایقان و غاصبان افتاد و این چنین مسیر تشکیل تمدن نابی که پیامبر بنیان نهاده بود، بر اثر حسادت و کینه به انحراف گرایید. سعد هنگام به خلافت رسیدن امیرالمؤمنین، با تأخیر بیعت کرد و در جنگ‌های سه‌گانه نیز شرکت نجست؛ درحالی‌که رفتار و فعل او در زمان خلفای قبلی این گونه نبود. وی افتخاراتی مانند عضویت در شورای شش نفره داشت، از شخصیت مقبول اجتماعی برخوردار بود، به فنون جنگ و سرداری فتوحات آشنایی داشت و صحابی باسابقه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در نتیجه، خود را محق و شایسته تصاحب بزرگ‌ترین مسئولیت در جهان اسلام تصور می‌کرد. اکنون که در راه دست‌یابی به این منصب ناکام مانده بود، راه اعتزال و کناره‌گیری را در پیش گرفت تا بتواند از این ترفند استفاده کند و حکومت نوپای امام علی علیه السلام را در آستانه سقوط قرار دهد؛ چون به صحنه نیامدن شخصیت‌هایی مانند سعد که چهره‌ای نظامی و جنگاور داشت (ابن‌شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۸۸۱) و از خواص و بزرگان جامعه اسلامی بود، می‌توانست حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام را با مشکلات و آسیب‌های جدی و بزرگ روبه‌رو کند. ریشه همه رویکردها و عملکردهای سعد و امثال او چیزی جز حسادت نبود؛ کما اینکه گفتار امیرالمؤمنین درباره سعد چنین ادعایی را تأیید می‌کند: «أَمَّا سَعْدٌ فَحَسُودٌ» (دینوری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۳؛ تستری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۱).

حسادت علما و دانشمندان نسبت به یکدیگر، نمونه دیگری از حسادت خواص و از بدترین انواع آن است. ایمان و تقوا و دانش مؤلفه‌هایی است که هر انسانی می‌تواند به کمک آن‌ها و با تلاش و تهذیب نفس، ظرف وجودی خود را وسیع کند و از فضل و افاضات خداوند

۱. «الْحَسَدُ حَسَدَانِ حَسَدُ فِتْنَةٍ وَ حَسَدُ غَفَلَةٍ فَأَمَّا حَسَدُ الْغَفَلَةِ فَكَمَا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ جِبْنَ قَالَ اللَّهُ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ، إِجْعَلْ ذَلِكَ الْخَلِيفَةَ مِنَّا وَ لَمْ يَقُولُوا حَسَدًا لَّأَدَمَ مِنْ جِهَةِ الْفِتْنَةِ وَ الرَّدُّ وَ الْجُحُودُ وَ الْحَسَدُ الثَّانِي الَّذِي يَصِيرُ بِهِ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ وَ الشِّرْكِ فَهُوَ حَسَدُ إِبْلِيسَ فِي رَدِّهِ عَلَى اللَّهِ وَ إِيَائِهِ عَنِ السُّجُودِ لَأَدَمَ عليه السلام»

بهره‌مند شود. اگر کسی در زمینه علمی خود را رشد دهد و پژوهش‌های کارآمد و اختراعات و اکتشافات موفق داشته باشد، اما نتواند خود را از رذایل اخلاقی مانند حسادت آراسته کند، نمی‌تواند به مرحله کمال انسانی و تمدنی بودن دست یابد. حسادت مرضی است که اگر دانشمندان به آن مبتلا شوند و عمده تلاششان در جهت حذف رقبای خود از صحنه علم و دانش باشد، ناخواسته آن‌ها را به ارتکاب گناهان دیگر مانند غیبت، تهمت، بدگویی و تخریب یکدیگر در گفتار و نوشتار می‌کشاند و به زیر پا گذاشتن ارزش‌ها و حقوق و شخصیت دیگران وادار می‌کند. در چنین شرایطی، به جای اینکه عرصه علمی جامعه عرصه پیشرفت اخلاق و دانش و عرصه هدایت و رشد باشد، خود به معضلی برای جامعه تبدیل می‌شود که علاوه بر مواجه شدن با فقدان اساتید و نخبگان برای رشد و پرورش دانش‌پژوهان و طالبان علم و متوقف ماندن مسیر پیشرفت علمی، زمینه‌های تربیت نادرست و گمراهی جامعه را فراهم می‌آورد. با توجه به اینکه پیشرفت در علم و فناوری از ارکان مهم یک تمدن است، در چنین شرایطی؛ هیچ‌گاه جامعه به مرحله تمدنی بودن نخواهد رسید و چه‌بسا با انحطاط بیشتر روبه‌رو خواهد شد.

سیاست‌مداران، روحانیون، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل بزرگ تجاری و اقتصادی خواص هر جامعه‌اند که اندیشه، سخن، قلم، موضع‌گیری و رفتار آن‌ها در موقعیت‌ها و صحنه‌های حساس و گوناگون، پیامدهای تأثیرگذاری در اندیشه و عمل جامعه و نظام مناسبات انسانی دارد. اگر این دسته از افراد در مسیر رشد و در تراز انسان تمدنی قرار نگیرند، یعنی خود را از تاریکی‌ها و خباثت‌های باطن و روح رها نکنند و به‌ویژه ریشه حسادت را در خود نخشکانند، امواج شک و انحراف و گمراهی و به‌تدریج کفر و شرک در جامعه جریان می‌یابد و آن رابطه مستحکمی که باید برای نیل به تمدن و نظام مناسبات انسانی مطلوب، بین رهبر یک جامعه و گروه‌های مختلف انسانی وجود داشته باشد، از هم گسسته خواهد شد و وحدت و یگانگی جای خود را به چنددستگی و از هم گسیختگی خواهد داد.

نتیجه‌گیری

حسادت بیماری قلبی و روحی است که امتداد اجتماعی و تمدنی می‌یابد، جامعه را آلوده می‌کند، موجب اختلافات اجتماعی در نسل‌های کنونی و نسل‌های آینده می‌شود و آن نظم جهانی را که قرار است با شکل‌گیری تمدن ایجاد شود، برهم می‌زند. با توجه به آیات قرآن و روایات، حسادت یا «بغی» یک مقوله کلان ضد اخلاقی و منشأ بسیاری از گناهان اجتماعی سیاسی، همراه با پیامدهای زیان‌بار در سطح تمدنی است؛ منشأ نزاع و دشمنی مردم، به‌ویژه اکابر و خواص اقوام با پیامبران است که نتیجه آن جایگزینی قوانین الهی با قوانین بشری است که نه تنها بشر را به سعادت نرسانده، بلکه موجب نابودی ارزش‌های اخلاقی و اضمحلال نظم اجتماعی و تمدنی و برقراری نظام طبقاتی مستکبر و مستضعف در سطح جهان شده است.

تشکیل تمدن، با دو تهدید درونی و بیرونی از ناحیه رذیله اخلاقی حسادت روبه‌روست. وجود زمینه‌های گوناگون مادی و معنوی برای حسادت و انباشت آن در درون جامعه، بدخواهی نسبت به یکدیگر و قطع خیر و برکت، منجر به از هم گسیختگی روابط گروه‌های مختلف انسانی و انحراف از مسیر تمدن‌سازی می‌شود. در این میان، خواص و تصمیمات آن‌ها در صحنه‌های حساس سیاسی و اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در روند مسیر حرکت جامعه به سمت تمدن خواهد داشت. اگر خواص مبتلا به حسادت نتوانند در موقعیت‌های حساس و بحرانی، بر خواسته‌های نفسانی خود غلبه کنند و مصالح جامعه و کشور را فدای منافع حزب و گروه خود نمایند، نمی‌توان امید به رشد آن جامعه و تداوم نظم اجتماعی و رسیدن به تمدنی عقلانی بر پایه ایمان و توحید داشت. تهدید بیرونی نیز از سوی دشمنان و کافران است که دوست ندارند هیچ‌گونه خیری به مسلمانان برسد (بقره: ۱۰۵). دشمنان به ایمان و اقتدار و استقلال مسلمانان حسادت می‌ورزند و در صدد نابودی آن‌ها با ایجاد انواع دسیسه‌ها و توطئه‌ها، از جمله تهاجم نظامی و فرهنگی و اقتصادی با پشتوانه گروهی از خواص حسود

داخلی هستند. فقدان هشیاری و آمادگی همه‌جانبه افراد جامعه برای مقابله با چنین تهدیداتی، منجر به اختلاف و تفرقه اجتماعی و از بین رفتن اخوت و انسجام بین گروه‌های انسانی می‌شود و تشکیل امت واحده مقتدر را با شکست مواجه می‌کند.

البته در کنار غفلت مسلمانان از دستورات و آموزه‌های اسلامی و پرداختن به اختلاف‌های قومی و مذهبی، عامل اصلی اختلاف و تنش را می‌توان کشورهای استکباری و غربی دانست که فکر و ذکر و نگرانی عمده آن‌ها، ارائه اسلام به عنوان جایگزین تمدنی ویژه با جنبه‌های ارزشی ناهمسو با ارزش‌های غربی است که درعین حال دارای عنصر بقا و رشد مداوم و حفظ خود و منع دیگران از استعمار است. همین اندیشه و نگرانی که خانم شیرین هانتر از آن گاه به حسادت یاد می‌کند (نک: هانتر، ۱۹۹۸، صص ۱۳۰-۱۸۰)، غرب را بر آن داشته است تا انواع گوناگون عقب‌ماندگی و پراکندگی و لائیسزم را بر جهان اسلام تحمیل کند. عقب‌ماندگی در عرصه‌های علمی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی یا اجتماعی ره‌آورد غرب برای جهان اسلام است و برای اثبات ادعاهای متمدن‌سازی انسانی، تنها اجازه پیشرفت اندکی به دیگران را می‌دهد (تسخیری، ۱۳۸۳، صص ۵-۳۲).

مکانیسم کلان‌شدگی یک رذیله نفسانی و بیماری روحی مانند حسد در سطح تمدنی و جهانی، ضرورت تربیت و پرورش انسان‌های در تراز تمدن را نشان می‌دهد و تا وقتی انسان‌ها از بیماری‌های روحی و قلبی مانند تکبر، حرص، حسادت و بخل رها نشده باشند و نتوانند در اجتماع و در نظام مناسبات انسانی آن را کنترل کنند، جامعه نمی‌تواند به کمالات روحی برسد و مراحل رسیدن به تمدن را طی کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

قرآن کریم.

آبشناس، عماد. (۱۴۰۳/۰۸/۱۶). چرا کشورهای عربی در حمایت از فلسطینی‌ها کوتاهی می‌کنند؟

<https://B2n.ir/j70084>

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۹۵۶م). مناقب آل ابی طالب. مطبعة الحیدریة.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (جمال‌الدین میردامادی، محقق). دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع.

ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۷۵ق). السيرة النبوية (مصطفی السقا و همکاران، محقق). مصطفی البابي الحلبي و اولاده.

عبد الوهاب، احمد. (۱۴۰۱ق). حقيقة التبشير بين الماضي والحاضر. مكتبة وهبة.

ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذيب اللغة. دار إحياء التراث العربي.

اندلسی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). العقد الفريد (عبدالمجيد الترحيني، محقق). دار الكتب العلمية.

بابایی، حبیب‌الله؛ و مرادی، فاطمه. (۱۴۰۰). فرایند تکوین «خیر کبیر» (خوانشی تمدنی از آیه سنبه در قرآن کریم). مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۴(۱)، ۳۴۷-۳۷۴.

۳۷۴

<https://doi.org/10.22070/nic.2021.14502.1100>

بابایی، حبیب‌الله. (۱۳۹۹). تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بابایی، حبیب‌الله. (۱۴۰۳). درآمدی بر مسئله‌شناسی تمدنی جهان اسلام. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بابایی، حبیب‌الله. (۱۴۰۳). درآمدی بر تفسیر تمدنی قرآن. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

برزگر، کیهان. (۱۳۸۳). ایران و عراق جدید: چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو. تحقیقات خصوصی و کیفی، ۴(۱)، ۳۷-۵۶.

بهشتی، احمد. (۱۳۸۲). اسلام و اومانیسم. کلام اسلامی، ۱۱(۴۷)، ۱۶-۴۵.

تستا، گی و ژان. (۱۳۷۹). تاریخ تفتیش عقاید (غلامرضا افشاری، مترجم). انتشارات جامعه ایرانیان.

تستری، محمدتقی. (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. جامعه مدرسین.

تسخیری، محمدعلی. (۱۳۸۳). غرب و خیزش اسلامی با نگاهی ویژه به کتاب آینده اسلام و غرب (شیرین هانتر). اندیشه انقلاب اسلامی، ۴(۱۰)، ۵-۳۲.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم و درر الکلم. دار الکتاب الاسلامی.

التمیمی، عزام؛ و الأحمر، جعفر. (۱۴۰۳). شبکه الحوار، برنامه مراجعات. ۱۴۰۳/۰۸/۱۵.

تقفی کوفی، ابراهیم بن محمد. (۱۳۹۵). الغارات. انجمن آثار ملی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). شریعت در آینه معرفت. مرکز نشر فرهنگی رجا.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). تسنیم. اسراء.

حزانی، ابن شعبه. (۱۳۶۳ش). تحف العقول (علی اکبر غفاری، مصحح). مؤسسه نشر اسلامی.

حسین، ممدوح. (۱۴۱۶ق). مدخل إلى تاریخ حركة التنصير. دار عمّار.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ق). كشف اليقين. وزارت ارشاد.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۰). شرح چهل حدیث. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

دینوری، ابن قتیبہ. (۱۳۶۳). الإمامه والسياسة. انتشارات شریف رضی.

شلبی، عبدالودود. (۱۴۰۹ق). الزحف إلى مكة: حقائق ووثائق عن مؤامرة التنصير في العالم الإسلامي. الزهراء للإعلام العربي.

صدر، سیدرضا. (۱۳۷۸). حسد (سیدباقر خسروشاهی، به کوشش). بوستان کتاب.

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). خصال. جامعه مدرسین.

صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۴ق). عبون أخبار الرضا. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

صدوق، محمد بن علی. (بی‌تا). معانی الأخبار (علی اکبر غفاری، محقق). دار النشر.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم. صدرا.

- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان في تفسير القرآن. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی. (۱۴۱۶ق). الاحتجاج (شيخ ابراهيم بهادری و محمد هادی، محققان). قم: دار الأسوة. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البيان لعلوم القرآن. انتشارات ناصر خسرو. طبری، محمد بن جریر. (۱۸۷۹م). تاريخ الأمم والملوک. بریل. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرين (احمد حسینی اشکوری، محقق). مرتضوی. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالي (مؤسسة البعثة، محقق). دار الثقافة. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبيان في تفسير القرآن. دار إحياء التراث العربي. علی، جواد. (۱۹۸۰م). المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام. مكتبة النهضة. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتيح الغیب. دار إحياء التراث العربي. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. مرکز فرهنگی درس های از قرآن. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. دار الكتب الإسلامية. قنبری، آیت. (۱۳۸۳). نقش خواص و عوام در انقلاب اسلامی. حصون، (۲)، ۶۶-۱۰۹. القيومی المقرئ، احمد بن محمد. (۱۴۱۸ق). المصباح المنیر (یوسف شیخ محمد، محقق). المكتبة العصرية. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). روضة کافی (علی اکبر غفاری، محقق). دار الكتب الإسلامية. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). کافی (علی اکبر غفاری و همکاران، محقق). دار الكتب الإسلامية. گیلانی، عبدالرزاق. (۱۴۰۰). مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة، احادیث منسوب به امام صادق (ع). اعلمی. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ابراهيم میانجی و همکاران، محقق). دار إحياء التراث العربي. مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۸۲). تحرير المواعظ العديدة (علی احمدی میانجی، شارح). الهادی. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الأمالي (حسین استادولی، علی اکبر غفاری، محققان). کنگره شیخ مفید. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). نمونه. دارالکتب الإسلامية. منصوری، کریم. (۱۴۰۳/۰۸/۲۰). حسادت و ریشه های آن از نگاه قرآن. نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۷۸). معراج السعادة. انتشارات هجرت. النمل، علی بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). الاستشراق في خدمة التنصير واليهودية. مجله جامعة محمد بن سعود الإسلامية، (۳)، ۲۳۷-۳۵۷. النمیری البصری، ابن شُبّه. (۱۴۱۰ق). تاريخ المدينة المنورة (فهم محمد شلتوت، محقق). دار الفكر. نیکنام عربشاهی، محمد. (۱۳۹۵). تاريخ صحيح اسلام. آرمان نسل نو. هاشمی، سید حسین و همکاران. (۱۳۹۶). انسان، امنیت پایدار در اومانيسم و مكتب امام خميني (ره). انسان پژوهی دینی، (۳۸)، ۱۶۵-۱۸۶.
- <https://doi.org/10.22034/ra.2018.29952>
- هاتر، شیرین. (۱۳۸۰). آینده اسلام و غرب: برخورد تمدن ها یا هم زیستی مسالمت آمیز؟ (همايون مجد. مترجم). فروزان روز. هیم ماکبی (۱۴۱۱ق). بولس و تحريف المسيحية (سميرة عزمي الزين، مترجم). المعهد الدولي للدراسات الإنسانية.

An Analysis of Civilizational Vices: Focusing on Envy and Its Macro-Social Consequences in Sūrat al-Baqarah

Nasibeh Rezaei ¹  Bībī Sadat Raza Bahabadi ²  Ḥabibullah Babaei ³ 

1. PhD in Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Al-Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Civilizational and Social Studies, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

Corresponding Email: b.razi@alzahra.ac.ir



<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.477845.1392>

Introduction

Civilization represents the highest order of human relational systems among diverse social groups. A civilization grounded in the human fiṭrah (primordial disposition) aims at self-mastery and moral refinement-unlike civilizations built upon instinct and material domination. Such a civilization requires a society founded on ethical virtues. Inner purity and moral excellence are of greater importance than merely external legal systems, as only through adherence to ethical principles can corruption and injustice be prevented.

While taqwā (piety) prepares the human heart for constructive civilizational participation, its absence gives rise to moral decay, anti-social behavior, and ultimately civilizational regression. Envy (ḥasad) is among the most destructive vices, capable of generating deep social rifts and widespread disunity. When left unchecked, it transcends the personal realm and undermines the social and civilizational fabric of society.

Methodology

This study employs a theological and inferential approach to examine Qur'anic verses, particularly in Sūrat al-Baqarah, to address the following question: How does a personal and ethical vice such as envy extend into macro-social and civilizational domains according to the Qur'an and relevant traditions?

The method of inferential interpretation involves posing external questions to the Qur'anic text-questions whose answers are not explicitly embedded within the text's lexical surface. In this approach, a non-Qur'anic conceptual system is applied to the Qur'an in search of its implied response.

Findings

Envy is presented in the Qur'an as a disease of the heart that extends into the social domain, leading to intergenerational discord and disrupting the global order that a just civilization seeks to establish. Motivated by arrogance and material desire, human beings fall into rivalry and envy-referred to in the Qur'an as baghy (2:213). Historically, societal elites-scholars, religious



authorities, and political leaders-have opposed prophets and divine law out of envy and internal corruption, perpetuating disunity and corruption across generations.

The distortion of religion, substitution of divine laws with man-made ones, and consolidation of religious and political authority (e.g., by the medieval Church) led to immense violence, such as the centuries-long Crusades. These movements catalyzed a transformation in Western thought, ultimately replacing God-centered worldviews with secular humanism (anthropocentrism).

The Qur'an and Hadith literature identify two forms of envy that threaten civilizational integrity:

1. Envy of disbelievers toward Muslims-aimed at inducing apostasy, obstructing Islamic unity, and dismantling Islamic civilization. Contemporary expressions of this include promoting Western cultural hegemony, vilifying Islam as regressive, instigating ethnic and sectarian divisions, and undermining Islamic brotherhood.

2. Envy among Muslims-resulting in internal division, distrust, and alignment with imperial powers. This has led to a lack of collective Islamic identity and fragmented responses to shared challenges. The failure of Islamic nations to collaborate on scientific, cultural, or political fronts stems largely from this internalized vice.

The study finds that envy, especially among the khāṣṣa (elites), constitutes one of the most serious obstacles to Islamic civilizational development.

Conclusion

Drawing upon Qur'anic verses and prophetic traditions, the study concludes that envy-identified also as baghy-is a destructive macro-social vice. It is the root of many social and political sins and has grave consequences at the civilizational level. Historically, envy among elites was the primary cause of opposition to prophets and divine legislation. Replacing divine law with human constructs did not bring about salvation but led instead to moral decay, the collapse of social cohesion, and the global rise of exploitative hierarchies.

The vice of envy presents both internal and external threats to civilizational progress. Internally, it leads to spiritual corrosion, social fragmentation, and the breakdown of cooperation across communities. Externally, disbelievers harbor resentment toward Muslim faith and independence, and they exploit internal envy to sabotage Islamic unity (2:105). Without heightened awareness and strategic preparedness, envy undermines social solidarity and weakens prospects for a unified and empowered Muslim ummah.

Ultimately, the civilizational spread of a psychological and moral illness like envy underscores the urgent need to cultivate spiritually upright individuals. Without confronting and managing such inner vices in the realm of human relations, a society cannot progress toward spiritual excellence or achieve the holistic goals of civilizational advancement.

Keywords

Baghy (Aggression), Envy, Civilizational Vice, Human Relational System, Social Order.

Author contributions

ADS: Writing - original draft, Writing - review & editing.

Conflict of interest

The author affirms that this research was conducted without any commercial or financial affiliations that could be interpreted as a potential conflict of interest.

Publisher's note

All claims expressed in this article are solely those of the authors and do not necessarily represent those of their affiliated organizations, or those of the publisher, the editors, and the reviewers. Any product that may be evaluated in this article, or claim that may be made by its manufacturer, is not guaranteed or endorsed by the publisher.



References

The Holy Quran. [In Arabic]

Ābshenās, 'E. (2024, August 6). "Why Do Arab States Fall Short in Supporting Palestinians?" <https://b2n.ir/j70084> [In Persian]

'Abd al-Wahhāb, A. (1981). *Ḥaḡīqat al-Tabshīr bayna al-Māḡī wa al-Ḥāḡīr*. Maktabat Wahbah. [In Arabic]

al-Namlah, 'A. b. I. (1990). "Orientalism in Service of Evangelism and Judaism." *Journal of Imam Muhammad ibn Saud University*, 2(3), 237–357. [In Arabic]

'Alī, J. (1980). *al-Mufaṣṣal fī Tārīkh al-'Arab Qabla al-Islām*. Maktabat al-Nahḡah. [In Arabic]

Azharī, M. b. A. (2000). *Tahdhīb al-Lughah*. Dār Iḡyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]

Andalusī, A. b. M. (1986). *al-'Iqd al-Farīd*, ed. 'Abd al-Majīd al-Tarḡīnī. Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]

Bābā'ī, H., & Morādī, F. (2021). "The Formation of 'Great Good': A Civilizational Reading of the Verse of the Grain in the Qur'an." *Foundational Studies of the New Islamic Civilization*, 4(1), 347–374. <https://doi.org/10.22070/nic.2021.14502.1100> [In Persian]

Bābā'ī, H. (2020). *Diversity and Civilization in Islamic Thought*. Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

Bābā'ī, H. (2025). *An Introduction to Civilizational Problem-Solving in the Islamic World*. Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

Bābā'ī, H. (2025). *An Introduction to the Civilizational Exegesis of the Qur'an*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

Barzegar, K. (2004). "Iran and the New Iraq: Challenges and Opportunities." *Private and Criminal Law Studies*, 4(1), 37–56. [In Persian]

Beheshtī, A. (2003). "Islam and Humanism." *Islamic Theology*, 11(47), 16–45. [In Persian]

Dīnawarī, I. Q. (1984). *al-Imāmah wa al-Siyāsah*. Sharīf Raḡī. [In Arabic]

Fakhr Rāzī, M. b. 'U. (1999). *Maḡāṭīḡ al-Ghayb*. Dār Iḡyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]

Gīlānī, 'A.-R. (2021). *Miṣbāḡ al-Sharī'ah*, attributed to Imam al-Ṣādiq (a). Mu'assasat al-A'lamī. [In Arabic]

Hāshimī, S. H., et al. (2017). "Man and Sustainable Security in Humanism and Imam Khomeini's Thought." *Religious Anthropology*, 14(38), 165–186. <https://doi.org/10.22034/ra.2018.29952> [In Persian]

Ḥillī, H. b. Y. (1991). *Kashf al-Yaqīn*. Ministry of Culture. [In Arabic]

Ḥusayn, M. (1995). *Madkhal ilā Tārīkh Ḥarakat al-Tanṣīr*. Dār 'Ammār. [In Arabic]

Hunter, S. (2001). *The Future of Islam and the West: Clash of Civilizations or Peaceful Coexistence?*, trans. Homāyūn Majd. Forūzān Rūz. [In Persian]

Ibn Shahr Āshūb, M. b. 'A. (1956). *Manāḡib Āl Abī Ṭālib*. al-Ḥaydarīyah Press. [In Arabic]

Ibn Shu'bah Ḥarrānī (1984). *Tuḡaf al-'Uqūl*, ed. 'Alī Akbar Ghiffārī. Islamic Publishing Office. [In Arabic]

Ibn Shabbah al-Namīrī al-Baṣrī (1990). *Tārīkh al-Madīnah al-Munawwarah*, ed. F. M. Shaltūt. Dār al-Fikr. [In Arabic]

Ibn Manzūr, M. b. M. (1993). *Lisān al-'Arab*, ed. Jamāl al-Dīn Mīrdāmādī. Dār al-Fikr. [In Arabic]

Ibn Hishām, 'A.-M. (1956). *al-Sīrah al-Nabawīyyah*, eds. Muṣṭafā al-Saqqā et al. Muṣṭafā al-Bābī al-Ḥalabī. [In Arabic]

Javādī Āmulī, 'A. (1993). *Sharī'at dar Āyeneh-ye Ma'rīfat*. Rājā Cultural Center. [In Persian]

Javādī Āmulī, 'A. (2002). *Tasnīm*. Esrā Foundation. [In Persian]

Khomeinī, R. (2001). *Sharḡ-e Chehel Ḥadīth*. Institute for Compilation of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

Kulaynī, M. b. Y. (1983). *Rawḡat al-Kāḡfī*, ed. 'Alī Akbar Ghiffārī. Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]

Kulaynī, M. b. Y. (1987). *al-Kāḡfī*, eds. 'Alī Akbar Ghiffārī et al. Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]

Majlisī, M. B. (1983). *Biḡār al-Anwār*, ed. I. Miyyānjī et al. Dār Iḡyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]

- Mishkīnī Ardabīlī, ‘A. (2003). *Tahrīr al-Mawā’iz al-‘Adadiyyah*, ed. ‘A. Aḥmadī Miyānjī. al-Hādī. [In Persian]
- Mufīd, M. b. M. (1992). *al-Amālī*, eds. Ḥ. Ostādwalī & ‘Alī Akbar Ghiffārī. Shaykh Mufīd Congress. [In Arabic]
- Makāram Shīrāzī, N., et al. (1995). *Tafsīr-e Namūneh*. Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Persian]
- Manṣūrī, K. (2024, August 11). “Envy and Its Roots from the Qur’anic Perspective.” <https://b2n.ir/m72595> [In Persian]
- Maccoby, H. (1991). *Paul and the Invention of Christianity*, trans. Samīrah ‘Azmī al-Zayn. International Institute for Human Studies. [In Arabic]
- Narāqī, A. b. M. M. (1999). *Mi‘rāj al-Sa‘ādah*. Hijrat. [In Persian]
- Neknām ‘Arabshāhī, M. (2016). *Accurate History of Islam*. Ārmān-e Nasl-e Now. [In Persian]
- Qarā‘atī, M. (2004). *Tafsīr-e Nūr*. Dars-hā-ye Qur’ān. [In Persian]
- Qurashī Banābī, ‘A.-A. (1991). *Qāmūs al-Qur’ān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]
- Qanbarī, Ā. (2004). “The Role of Elites and Masses in the Islamic Revolution.” *Huṣūn*, 1(2), 66–109. [In Persian]
- Qayyūmī al-Miqrī, A. b. M. (1997). *al-Miṣbāḥ al-Munīr*, ed. Y. Shaykh Muḥammad. Maktabat al-‘Aṣriyyah. [In Arabic]
- Shalabī, ‘A.-W. (1988). *al-Zahf ilā Makkah*. Zahra for Arab Media. [In Arabic]
- Ṣadr, S. R. (1999). *Envy*, ed. S. B. Khosrowshāhī. Bustān-e Kitāb. [In Persian]
- Ṣadūq, M. b. ‘A. (1983). *Khiṣāl*. Jāme‘eh-ye Modarresīn. [In Arabic]
- Ṣadūq, M. b. ‘A. (1983). *‘Uyūn Akhbār al-Riḍā*. Mu‘assasat al-A‘lamī. [In Arabic]
- Ṣadūq, M. b. ‘A. (n.d.). *Ma‘ānī al-Akhbār*, ed. ‘Alī Akbar Ghiffārī. Dār al-Nashr. [In Arabic]
- Testa, G., & Jean, J. (2000). *History of the Inquisition*, trans. Gholām-Rezā Afshārī. Jāme‘eh-ye Īrāniyān. [In Persian]
- Tustarī, M.-T. (1990). *Qāmūs al-Rijāl*. Jāme‘eh-ye Modarresīn. [In Arabic]
- [Taskhīrī, M.-‘A. \(2004\). “The West and the Islamic Awakening.” *Islamic Revolution Thought*, 4\(10\), 5–32. \[In Persian\]](#)
- Tamīmī Āmadī, ‘A.-W. (1990). *Ghurur al-Ḥikam wa Durar al-Kalim*. Dār al-Kitāb al-Islāmī. [In Arabic]
- Tamīmī, ‘A., & al-Aḥmar, J. (2024, August 5). *Shabakat al-Ḥiwār: Barnāmaj Murāja‘āt*. [In Arabic]
- Thaqafī Kūfī, I. b. M. (2016). *al-Ghārāt*. Anjoman Āthār-e Mellī. [In Arabic]
- Ṭabāṭabā‘ī, S. M. Ḥ. (2011). *Uṣūl-e Falsafah wa Ravesh-e Realism*. Ṣadrā. [In Persian]
- Ṭabāṭabā‘ī, S. M. Ḥ. (1996). *al-Mizān fī Tafsīr al-Qur’ān*. Dār al-Islāmī. [In Arabic]
- Ṭabarsī, A. M. A. b. ‘A. (1995). *al-Iḥtijāj*, eds. Shaykh Ibrāhīm Bahādarī & M. Hādī. Dār al-Uswah. [In Arabic]
- Ṭabarsī, F. b. Ḥ. (1993). *Majma‘ al-Bayān*. Nāṣir Khosrow. [In Arabic]
- Ṭabarī, M. b. J. (1879). *Tārīkh al-Umam wa al-Mulūk*. Brill. [In Arabic]
- Ṭurayḥī, F. al-D. b. M. (1996). *Majma‘ al-Baḥrayn*, ed. A. Ḥ. Ashkūrī. Morteżavī. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. b. al-Ḥ. (1993). *al-Amālī*, ed. Mu‘assasat al-Ba‘thah. Dār al-Thaqāfah. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. b. al-Ḥ. (n.d.). *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur’ān*. Dār Ihya‘ al-Turāth al-‘Arabī. [In Arabic]

How to cite:

Rezaei, Nasibeh., Raza Bahabadi, Bibi Sadat., Babaei, Habibullah. (2025). An Analysis of Civilizational Vices: Focusing on Envy and Its Macro-Social Consequences in Sūrat al-Baqarah. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (2), 25-46. <http://doi.org/10.22034/jksl.2025.477845.1392>

